



## مقدمه

تحلیل سیاست خارجی ایالات متحده‌ی آمریکا در قیاس با گذشته، با یکسری پیچیدگی‌ها و عدم قطعیت‌های بیشتری همراه است. دولت جدید این کشور به رهبری دونالد ترامپ با شعارهای ضدنظام و تغییر وضعیت موجود، قدرت را در دست گرفته است و تلاش می‌کند تا با برهم زدن رویه‌های سنتی دولتهای گذشته در آمریکا، رویکرد تازه‌ای را در ارتباط با موضوعات داخلی و خارجی اتخاذ نماید. آنچه در این میان مشخص است اینکه، دولت جدید آمریکا تاکنون فاقد یک الگوی سیاست خارجی مشخص و منسجم بوده است، که همین امر تحلیل رفتارهای خارجی این کشور را با پیچیدگی بیشتری همراه می‌سازد. اما با این وجود، این گفته بدان معنا نیست که نمی‌توان منطق رفتاری رهبران جدید آمریکا را شناسایی و تحلیل نمود؛ بلکه فهم رفتارهای جدید نیازمند دقت و مطالعه‌ی بیشتر می‌باشد. پرسش پیش روی این نوشتار آن است که در میان مدت، سیاست خارجی آمریکا در رابطه با جمهوری

اسلامی چگونه خواهد بود؟ و ایران چه راهکارهای احتمالی را در مواجهه با آن می‌تواند در پیش گیرد؟

## سیاست خارجی آمریکا در ارتباط با ج.ا.ایران

برای فهم رویکرد سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران، پیش از هر چیز باید چند عدم قطعیت مهم را مورد توجه قرار داد:

۱. اینکه ساختار نظام سیاسی حاکم در آمریکا در نهایت به سمت تشدید تعارض و درگیری با جمهوری اسلامی و امنیتی‌سازی این کشور حرکت خواهد کرد یا خیر؟ و موضوع ارتباط ایران با محور مقاومت، تا چه اندازه به معیاری برای نحوه‌ی رفتار با این کشور مبدل خواهد شد؟

۲. ضرورت‌های امنیتی غرب آسیا و نیز ملاحظات مربوط به بازیگران این منطقه نظیر عربستان سعودی، رژیم صهیونیستی، سوریه، عراق، افغانستان، حزب‌الله، القاعده و داعش، در نهایت تا چه اندازه خواهد توانست بر نوع رویکرد و رفتارهای آینده آمریکا با ج.ا.ایران اثرگذار باشند؟

### مناسبات ایران و آمریکا و آینده‌ی برجام

دونالد ترامپ در دوران انتخابات ریاست جمهوری، بارها مخالفت خود را با توافق اتمی ایران و ۱+۵ اعلام و از آن تحت عنوان یک توافق «بسیار خطرناک» و «بد» که می‌تواند زمینه‌ساز بوجود آمدن یک سنت خطرناک باشد یاد کرده است. وی در کتاب «زمانی برای سخت‌گیری<sup>۱</sup>» می‌نویسد: «هدف اولیه و اصلی آمریکا در قبال ایران باید نابودی تمامی جاه‌طلبی‌های هسته‌ای آن باشد. اجازه دهید این را به ساده‌ترین حالتی که می‌دانم بگویم؛ برنامه هسته‌ای ایران باید متوقف شود حال با هر وسیله‌ای که نیاز است. ما نمی‌توانیم اجازه دهیم چنین رژیم رادیکالی به سلاح هسته‌ای دست یابد، سلاحی که یا خود از آن استفاده خواهد کرد و یا به دست تروریست‌ها خواهد داد.<sup>۲</sup>» با این وجود وی تأکید دارد که قادر است تا از طریق «مذاکره»، به یک توافق بهتری با طرف ایرانی دست پیدا کند. اگر چنانچه در نهایت رئیس‌جمهور آمریکا با غیرقابل قبول خواندن توافق با ایران، بکلی از اجرای آن سر باز زند، این وضعیت، ایران را در موقعیتی قرار خواهد داد تا علیه آمریکایی‌ها در مجامع بین‌المللی اقامه دعوا کند. ضمن آنکه آمریکایی‌ها با شرایط پیچیده‌ای مواجه خواهند شد و امکان بازگرداندن اجماع بین‌المللی علیه ایران آنگونه که تا پیش از انعقاد توافقنامه هسته‌ای وجود داشت، میسر نخواهد بود.

۳. سطح کارآمدی دیپلماسی خارجی جمهوری اسلامی ایران و اینکه این کشور تا چه اندازه می‌تواند موفق شود تا از طریق نزدیک شدن به قدرت‌های بزرگ نظیر اتحادیه اروپا، روسیه و چین، فشارهای احتمالی واشنگتن علیه خود را تعدیل نماید؟

۴. ظرفیت‌های منطقه‌ای ایران در عراق، سوریه، لبنان و یمن، تا چه اندازه برای آمریکایی‌ها حایز اهمیت است و می‌تواند مبنای تعامل محدود با این کشور قرار گیرد؟

اینها در واقع مهمترین عدم قطعیت‌هایی هستند که نحوه پاسخگویی به آنها می‌تواند بر آینده سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در رابطه با جمهوری اسلامی ایران، تعیین کننده بوده و سناریوهای متنوعی را مطرح نماید. در حال حاضر، دولت دونالد ترامپ در رابطه با نحوه برخورد با جمهوری اسلامی ایران، بیش از آنکه قدرت و نفوذ منطقه‌ای این کشور و پیامدهای آن را مورد توجه قرار دهد، نشانه‌ایی مبنی بر تمایل به محدودسازی قدرت ساختاری این کشور را از خود بروز داده است. تلاش برای بازنگری در توافقنامه اتمی با ایران و یا اقداماتی در زمینه محدودسازی توان موشکی این کشور، همگی در راستای چنین رویکردی قابل توضیح هستند. در مقابل اما، رقبای منطقه‌ای ایران نظیر عربستان سعودی و اسرائیل درصدد گسترش دامنه مواجهه‌ی آمریکا با جمهوری اسلامی و برجسته‌سازی نقش و کارکرد منطقه‌ای این کشور هستند. آنها با درک اهمیت موضوع مقابله با تروریسم و افراط‌گرایی در دولت ترامپ، تلاش می‌کنند تا ایران را در کنار القاعده و داعش، به عنوان یکی از عناصر اصلی تولید خشونت در سطوح منطقه‌ای و جهانی تعریف نمایند.

1. Time to Get Tough

2. Trump Donald, "Time To Get Tough: Making America Again", New York City, 2015, p:2-4.



### پاسخ‌های ایران

همانگونه که پیشتر گفته شد، بنظر می‌رسد که نحوه‌ی رویارویی دولت ترامپ با جمهوری اسلامی بیشتر از آنکه ماهوی و هستی‌شناسانه باشد، تا حدود زیادی معطوف به محدودسازی قدرت ساختاری ایران خواهد بود. به تعبیری دیگر، دولت ترامپ بیش از آنکه ماهیت ارزشی انقلاب ایران و سیاست‌های داخلی این کشور متمرکز شود، بر مهار و کنترل روند قدرت‌یابی ساختاری آن متمرکز خواهد بود. بنابراین بنظر می‌رسد که در خصوص نگرانی‌های مشترک امنیتی در سطح منطقه نظیر بحث افراط‌گرایی، تروریسم و تقابل با داعش و القاعده، دو طرف احتمالا می‌توانند زمینه‌هایی برای تعامل پیدا کنند. این رویکرد را در اظهارات دونالد ترامپ در خصوص نوع برخورد با روسیه نیز می‌تواند مشاهده نمود. در ۴ فوریه ۲۰۱۷ رئیس‌جمهوری امریکا در پاسخ به انتقاد خبرنگار شبکه فاکس نیوز مبنی بر تمایل دولت وی به تعامل با روسیه در عین سرکوبگر بودن دولت آن کشور گفت: «... من به پوتین احترام می‌گذارم... اما احترامی که من برای پوتین قائل هستم، به معنای این نیست که ما با هم کنار می‌آییم... من می‌گویم کنار آمدن با روسیه بهتر از کنار نیامدن با این کشور است و اگر مسکو به ما در مبارزه با داعش و تروریسم اسلامی در سراسر جهان، کمک کند؛ اتفاق خوبی خواهد بود»<sup>۳</sup>. این اظهارات نشان می‌دهد که دولت ترامپ تا چه اندازه آمادگی دارد تا حتی با رقبای خود بر سر موضوعات مشترک، به لحاظ تاکتیکی وارد تعامل شود. البته اهمیت روسیه برای دولت امریکا بیشتر بواسطه‌ی

موقعیت این کشور در سطح نظام بین‌الملل به مثابه‌ی یک قدرت بزرگ و تاثیرگذار است و این بدان معنا نیست که دولت ترامپ لزوماً همین نوع نگرش را در ارتباط با یک قدرت درون منطقه‌ای هم دارا می‌باشد. اما در شرایطی خاص احتمالا می‌توان انتظار چنین رفتارهای تاکتیکی‌ای را در سطوح منطقه‌ای نیز از آن انتظار داشت. شرایطی که طی آن، امریکایی‌ها در مهار تروریسم در غرب آسیا توفیق چندانی نداشته باشند و روند قدرت‌یابی نیروهای افراط‌گرا بگونه‌ای افزایش یابد که آنها قادر شوند تا دامنه‌ی فعالیت‌های عملکرد خود را به طور قابل توجهی به فراتر از مرزهای این منطقه گسترش دهند.

بنظر می‌رسد که سناریوی محتمل در خصوص آینده سیاست خارجی امریکا در برابر ایران، پیگیری الگوی «تعامل در عین تقابل» باشد. قدرت‌گیری گروه‌های افراط‌گرا و گسترش دامنه‌ی فعالیت‌هایشان به فراتر از مرزهای خاورمیانه، می‌تواند ضرورت گرایش به سمت چنین رویکردی را در رابطه با جمهوری اسلامی برای ایالات متحده افزایش دهد. در چنین شرایطی، تلاش برای مدیریت و بکارگیری توانمندیهای منطقه‌ای جمهوری اسلامی از طریق کاربست یک دیپلماسی تعاملی در دستور کار امریکایی‌ها قرار خواهد گرفت. چرا که امریکایی‌ها قادر به کنار گذاشتن یا نادیده گرفتن نقش و اثرگذاری ایران برای مهار تروریسم و افراط‌گرایی فزاینده نخواهند بود. این الگو مبتنی بر بکارگیری توأمان «دیپلماسی تشویقی، همراه با اهرم‌های فشار»، برای ترغیب جمهوری اسلامی جهت مشارکت موثر در تقابل با تروریسم منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد بود. هر اندازه که دامنه عملیاتی و شدت ضربه‌ی گروه‌های تروریستی افزایش یابد، نیازمندی امریکا

3. <http://insider.foxnews.com/2017/02/04/preview-bill-oreilly-donald-trump-super-bowl-interview>.

### نتیجه‌گیری

رئیس‌جمهوری امریکا، فردی است که «جسارت» و «ریسک‌پذیری» را معادل «قدرت» و لازمه موفقیت تلقی می‌کند. همین ویژگی موجب می‌شود تا وی مدام مبادرت به تصمیم‌گیری‌های سریع و متعدد و بعضاً متناقض نماید و نگرانی کمتری نسبت به پیامدهای این تصمیم‌گیری‌ها داشته باشد. مبنای این تصمیم‌گیری‌ها مبتنی بر نتیجه‌محوری و منفعت‌سنجی می‌باشد. بنابراین به نظر می‌رسد که حداقل در کوتاه مدت، تحلیل‌هایی که از رفتارها و سیاست‌های دولت دونالد ترامپ ارائه می‌شود باید بازه‌ی زمانی کوتاه مدت را مد نظر قرار دهند. به معنایی دیگر، از منظر رئیس‌جمهور امریکا، نتیجه‌ی حاصله از یک تصمیم می‌تواند در نهایت موجب شود تا آن تصمیم به یک رفتار یا رویه‌ی بلند مدت منتج شود و یا اینکه از اساس تغییر یابد.

بنظر می‌رسد که اولویت اصلی دونالد ترامپ در سیاست خارجی، اقدام برای تنظیم یک سری مناسبات قدرت محور با قدرت‌های بزرگ جهانی نظیر روسیه و چین می‌باشد. این تعاملات برای سیاست خارجی امریکا عمدتاً دارای کارکردی تاکتیکی خواهند بود. هنگامیکه محیط بین‌المللی به سمت توافق‌های دو سویه میان قدرت‌های بزرگ جهانی سوق پیدا می‌کند، عملاً فضا برای کنش‌گری مستقلانه‌ی قدرت‌های کوچک درون منطقه‌ای کاهش می‌یابد. بنابراین این قدرت‌های کوچک درون منطقه‌ای که همچنان در مرحله‌ی کسب قدرت قرار دارند، ناگزیر خواهند بود تا رفتارهای خود را در چارچوب الزامات ناشی از یک موازنه‌ی بزرگ و سیال بین‌المللی، تنظیم نمایند. بنظر می‌رسد واکنش‌های جمهوری اسلامی به عنوان یک بازیگر درون منطقه‌ای

برای بهره‌گیری از ظرفیت قدرت‌های درون منطقه‌ای نظیر جمهوری اسلامی بیشتر خواهد شد. در چنین فضایی، بخشی از راهکارهایی که توسط جمهوری اسلامی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد عبارتند از:

۱. نشان دادن این موضوع که ایران یک قدرت مسئول منطقه‌ای است و تلاش می‌کند تا ظرفیت‌های خود را در راستای مقابله با تروریسم و برقراری ثبات و امنیت منطقه‌ای بکار گیرد و تقابل با ایران نه تنها کمکی به کاهش تنش در منطقه نمی‌کند، بلکه ابعاد بحران را پیچیده‌تر خواهد کرد.

۲. جمهوری اسلامی باید نشان دهد که اساساً در فضای فشار حاضر به تغییر رفتار و همکاری با ایالات متحده نمی‌باشد و از این طریق، مانع از تبدیل این رویکرد به یک رویه در رفتار امریکایی‌ها با ایران شود.

۳. ایران از مشارکت در تعامل محدود بر اساس منافع مشترک، می‌تواند به عنوان امکان و تاکتیکی برای احیای موقعیت منطقه‌ای خود، ترمیم توان محور مقاومت و کاهش سطح تنش‌ها بهره‌گیری نماید.

۴. جمهوری اسلامی می‌تواند از طریق نزدیک شدن بیشتر به بازیگران رقیب امریکا نظیر روسیه، در صدد بهبود موقعیت خود در منطقه برآید.

۵. جمهوری اسلامی از طریق به بن‌بست کشاندن طرح‌های مدیریت بحران امریکا در منطقه، می‌تواند این کشور را ناگزیر به توجه به منافع جمهوری اسلامی در شرایط برابر نماید.

۶. مراجعه با سازمان ملل و نهادهای بین‌المللی و طرح دعوا از رفتارهای خصمانه امریکا در فضایی که بنظر می‌رسد دولت ترامپ چندان اعتقادی به نقش و کارکرد موثر سازمانها و نهادهای بین‌المللی در حل چالش‌های منطقه‌ای و جهانی ندارد.



باید تا حدودی بر مبنای اتفاقاتی که در نظم بین‌المللی بوقوع می‌پیوندد، صورت‌بندی و تنظیم شود. این خود پیش از هر چیز مستلزم برخورداری کشور از یک چشم‌انداز استراتژیک منسجم می‌باشد.

در شرایط فعلی، اولویت دولت ترامپ در ارتباط با ایران بیش از آنکه مربوط به نقش و نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی باشد، بر محدودسازی و تلاش برای کاهش قدرت ساختاری این کشور متمرکز است. هرچند رقابت منطقه‌ای ایران نظیر عربستان سعودی و اسرائیل در تلاشند تا از طریق قرار دادن نام ایران در کنار القاعده و داعش، دامنه این تقابل را به سطح کارکرد منطقه‌ای قدرت ایران بسط دهند. در چنین شرایطی، برخورداری از یک دیپلماسی فعال برای تعامل با اروپایی‌ها و بازیگران تاثیرگذاری نظیر روسیه و چین، و همچنین رجوع به نهادها و سازمانهای بین‌المللی در شرایطی که بنظر می‌رسد دولت امریکا درصدد تضعیف کارایی و اعتبار این نهادهاست، می‌تواند تا حدودی وضعیت در حال شکل‌گیری را برای جمهوری اسلامی متعادل نماید.

